

چرا بی تصویب قانون کار

علیرضا حیدری، کارشناس روابط کار و تأمین اجتماعی



درباره اصرار عده‌ای برای تغییر و اصلاح قانون کار باید گفت که مخاطب هر قانونی در حقیقت دو گروه، دو نفر یا دو جریان هستند که می‌تواند یک مرز بندی ایجاد کند به نحوی که برای یک گروه هزینه به وجود آورد و یک گروه را منتفع کند.

برای مثال در قانون حمایت از خانواده هم حمایت‌هایی دیده شده و خط قرمزهایی به لحاظ حمایتی ایجاد کرده ولی نباید فراموش کنیم که قانون کار یک قانون امرانه است و قانونی نیست که بتوانیم در این قانون ایجاد روابطی منطقی بر عرضه و تقاضا داشته باشیم. اگر می‌شد این کار را کرد به قانون کار نیاز نبود بازار، کار خودش را انجام می‌داد بنابراین وقتی دیدیم که بازار کار، کار خودش را به طور منصفانه و عادلانه ندارد، قانون کار را پیش بینی و تصویب کردیم.

همچنین وقتی صحبت از اصلاح قانون کار می‌کنیم که رویکرد قانون، رویکرد هدفمند حمایت و حراست از حقوق حداقلی نیروی کار است. این یعنی اینکه ما به این باور رسیدیم که اگر این قانون حداقلی وجود نداشته باشد هزینه‌های کارفرما باید برای نیروی کار صورت دهد به شکل معنی داری پایین تر از چیزی است که درمی‌آید. در واقع یعنی حداقل دستمزد، حداقل ساعت کار، تعطیلات و مرخصی‌ها، ایمنی کار، کار کودک و نوجوان، کار زنان، کارهای سخت و زیان آور و بیمه کارگر هیچ کدام وجود نخواهد داشت و بازار تعیین می‌کند که یک کارگر در ازای چقدر هزینه سرجمع برای کارفرمایی که متقاضی اوست، کار بکند. پس این قانون، قانون امرانه است و خطوط قرمز دارد و قانون حداقلی است.

همچنین معتقدم که همه ۲۰۳ ماده قانون کار نباید اصلاح شود بلکه هفت یا هشت مورد کلیدی هستند که نیاز به اصلاح دارند. باید دانست ۲۰۳ ماده قانون کار برای کارفرمای ایرانی در نگاه‌ها به طور متوسط طی دوره‌های گذشته چقدر هزینه در دست کرده است؟ سهم هزینه‌های این قانون در قیمت تمام شده و در قیمت فروش با هم طی آنچه که تحت عنوان بازار زندگی و فضای کسب و کار اعلام می‌کنند در بهترین شرایط به یک عدد دورقمی هم نرسد ولی همین قوانین در سایر کشورها سهم مزد را در قیمت تمام شده و فروش محصول، دورقمی و رقمی معنی دار تلقی می‌کنند. این یعنی اینکه اگر قرار است اصلاحی در قانون صورت بگیرد و این اصلاح، آثار بیرونی از خودش نشان بدهد، بتواند سهم عادلانه و منصفانه دستمزد در قیمت تمام شده و فروش را به مرز منطقی و قابل قبول خودش برساند. بنابراین معتقدم هر تغییری که اعمال می‌کنیم باید بتواند هزینه‌هایی نیروی کار را برای بنگاه به شکلی افزایش بدهد که بتواند آن را به سطح تعادل منطقی عرف جهانی خود نزدیک کند ولی ما اکنون نسبت به کشورهای منطقه عقب هستیم.

در پایان با دیگر اعلام می‌کنم که من موافقم که قانون مورد بازنگری قرار بگیرد. قانون وحی منزل نیست و دست نوشته انسان است و بر مقتضیات زمان و مکان و موقعیت‌هایی که در آن قرار داریم، توسط افکار و اندیشه‌هایی که پیش فرض‌های ذهنی درونشان هست، نوشته می‌شود و وقتی در عمل با مشکلات مواجه می‌شود، این قانون بدون تردید باید مورد بازنگری قرار بگیرد.

اخبار کارگری

همه گیری بیمه کارگران ساختمانی نیاز به تصویب مجلس دارد

سرپرست سازمان تأمین اجتماعی گفت: تصویب نهایی اصلاحیه ماده ۵ بیمه اجتماعی کارگران ساختمانی در مجلس، امکان پوشش بیمه‌ای تمامی واجدان شرایط بیمه اجتماعی کارگران ساختمانی فراهم می‌شود. به گزارش توسعه ایرانی، میرهشام موسوی با اشاره به تصویب نهایی طرح اصلاح ماده (۵) بیمه اجتماعی کارگران ساختمانی در کمیسیون اجتماعی مجلس اظهار داشت: مخاطرات و آسیب‌های شغلی کارگران ساختمانی به لحاظ حوادث، بیماری‌ها و از کار افتادگی، دغدغه مشترک نمایندگان مجلس و تأمین اجتماعی در لزوم توسعه پوشش بیمه‌ای این قشر است.

وی اظهار امیدواری کرد با حمایت و پشتیبانی قاطبه نمایندگان، این اصلاحیه به تصویب نهایی نمایندگان در صحن علنی مجلس نیز برسد.

فعالان کارگری از راهکارها و لزوم اتخاذ تدابیر می‌گویند

معیشت، درمان و مسکن؛ مثلث مشکلات کارگران



نسرین هزاره مقدم

در شرایطی که کمترین هزینه‌های زندگی یک خانوار متوسط به ۱۱ میلیون و ۵۰۰ هزار تومان در ماه رسیده، «پانزدهم آبان ماه» نخستین جلسه شورای عالی کار (نهادی که طبق قانون مسئولیت تعیین مزد کارگران را دارد) در دولت سیزدهم بعد از چند ماه تأخیر برگزار شد.

قانون کار به صراحت اعلام می‌کند که هر ماه باید حداقل یک جلسه سه‌جانبه شورای عالی کار برگزار شود، اما تغییر دولت‌ها و به تبع آن سیر انتصاب و برکناری‌ها و بی‌توجهی به قانون موجب شده بود که این شورای پنج‌ماه گذشته هیچ جلساتی نداشته باشد.

به هر حال، یکی از خروجی‌ها و مصوبات شورای کارگر شده در پانزدهم آبان، «بررسی کارشناسانه بهبود معیشت کارگران» بود و قرار شد کمیته دستمزد ذیل شورای عالی کار، در هفته‌های پیش‌رو تشکیل جلسه بدهد. ضمن اینکه وزیر کار در گزارشی اجمالی از این نشست، تلویحاً خواستار دلسوزی برای کارفرمایان شد و اعلام کرد که کارگر و کارفرما باید محذورات و شرایط یکدیگر را درک کنند و نمایندگان کارگری نمی‌خواهند که به کارفرمایان فشار بیاید!

**اعتراض به اظهارات وزیر کار**  
این جمله یعنی «نمایندگان کارگری نمی‌خواهند که به کارفرمایان فشار بیاید» در همین یکی دو روز

آخر موجی از انتقادات و اعتراضات را برانگیخته است. کارگران و فعالان کارگری به کرات خواستار این شدند که اعلام نشود کدام نماینده کارگری خواستار فشار نمایندگان کارفرمایان شده و چه فشاری تا امروز به کارفرمایان آمده چون به زعم آنها، همه فشارها بر گردن کارگران است!

در همین زمینه «فرامرز توفیقی»، رئیس کمیته دستمزد کانون عالی شوراها اعلام می‌کند که شورای اسلامی کار کشور می‌گوید: کدام فشار؟ در یک واحد تولیدی، ۳۰ درصد هزینه‌ها مربوط به مواد اولیه و ۷۰ درصد دیگر شامل دستمزد انرژی، مالیات و استهلاک است. سوال این است که آیا ما به نیروی کار ایرانی به دلار و ارز حقوق می‌دهیم یا انرژی را به قیمت ارز می‌پردازیم که حالا کالاهای تولیدی را با افزایش نرخ ارز به فروش می‌رسانیم؟ این کار مصداق بی‌انصافی و بی‌قانونی است. ما تنها ۳۰ درصد هزینه‌هایمان متاثر از نرخ ارز است، پس آیا کارفرمایی که کالایش را به نرخ دلار می‌فروشد (مثلاً خودروسازی که قیمت‌هایش چند برابر قیمت واقعی و جهانی خودرو است) تحت فشار است یا کارگری که ربالی حقوق می‌گیرد اما مجبور است دلاری خرج کند؟

فارغ از این انتقادات، خروجی این جلسه در ارتباط با بهبود معیشت کارگران هم چندان باب میل کارگران نبود و واقعیت این است که بهبود معیشت کارگران و بازنشستگان به خصوص حداقل‌گیران، چندان کار کارشناسانه

نمی‌خواهد چون بند دوم ماده ۴۱ قانون کار کاملاً صراحت دارد و می‌گوید حداقل دستمزد باید به گونه‌ای باشد که هزینه‌های حداقلی زندگی یک خانوار متوسط را تأمین کند یعنی به اندازه سبد معیشت باشد. سبد معیشت هم امروز ۱۱ میلیون و ۵۰۰ هزار تومان است، بنابراین هر دستمزدی کمتر از نرخ سبد معیشت، بی‌توجهی به نص صریح قانون و مصداق روشن قانون‌گریزی است.

**راهکارهایی برای بهبود معیشت**  
علاوه بر راهکار افزایش دستمزد، به عنوان راهکاری اساسی و قانونی، گریز راه‌های قانونی دیگری نیز برای بهبود معیشت کارگران وجود دارد؛ راهکارهایی که می‌تواند با فشار بر گرده کارگران سبک کند، آن هم بدون تزییق نقدینگی!

توفیقی این راهکارها را در چند دسته کلی خلاصه می‌کند: معافیت مالیاتی کارگران، کاهش تعرفه خدمات درمانی و تأمین مسکن. در مورد اولین راهکار یعنی «معافیت مالیاتی کارگران»، نادر مرادی، فعالان کارگری می‌گوید: بسا اصلی پرداخت مالیات بر عهده کارگران و مزدبگیران است پس حداقل در لایحه بودجه ۱۴۰۱ معافیت مالیاتی کارگران را تا سقف سبد معیشت افزایش دهند، یعنی هر کارگر و مزدبگیری که تا اندازه سبد معیشت دستمزد می‌گیرد، از پرداخت مالیات به دولت معاف باشد. از مالیات بر ارزش افزوده نیز که تقریباً ۱۰ درصد به سبد هزینه‌های کالایی کارگران

مرادی: دارندگان خانه‌های چند ده میلیاردی لوکس و لاکچری و صاحبان سپرده‌های نجومی بانکی و آنهایی که چند آپارتمان خالی دارند، مالیات نمی‌دهند و بیش از ۶۰ تا ۷۰ درصد مالیات را مزدبگیران می‌پردازند

اضافه می‌کنند، بکاهند و بار مالیات را بر دوش ثروتمندان بیندازند. چرا دارندگان خانه‌های چند ده میلیاردی لوکس و لاکچری و صاحبان سپرده‌های نجومی بانکی و آنهایی که چند آپارتمان خالی دارند، مالیات ندهند اما بیش از ۶۰ تا ۷۰ درصد مالیات را مزدبگیران بپردازند؟

راهکار دوم توفیقی، کاهش تعرفه‌های درمانی یا همان درمان رایگان، الزامی که در قانون الزام تأمین اجتماعی به صراحت به آن اشاره شده است. «محمدعلی براتی» که یک بازنشسته حداقل‌گیر در قروه استان کردستان است، در این رابطه می‌گوید: کارگران بازنشسته عموماً بیماری‌های خاص دارند. من خودم بیش از یک میلیون تومان هر ماه، هزینه دارو و درمان می‌دهم. اگر درمان را آن طوری که قانون الزام می‌گوید کاملاً رایگان کنند، بار سنگینی از دوش کارگران و بازنشستگان حداقل‌گیر برداشته

می‌شود. در کدام کشور مترقی، یک کارگر زحمتکش بعد از ۳۰ سال جان کندن، ماهی چند میلیون تومان برای تأمین دارو و هزینه‌های کلینیکی و پاراکلینیکی می‌پردازد، آن هم وقتی فقط ۴ میلیون تومان حقوق می‌گیرد؟ مساله بعدی «تأمین مسکن» است؛ همان که اصل ۳۱ قانون اساسی می‌گوید وظیفه بدون تنازل دولت است تا برای همه مردم با اولویت کارگران و روستائین، مسکن شایسته فراهم کند. بر اساس محاسبات، مسکن بیشترین سهم را بعد از خوراکی‌ها در سبد هزینه‌های ماهانه خانوارهای کارگری کشور دارد و بنابراین در بین این مولفه‌ها، بیشترین اهمیت را دارد.

توفیقی در ارتباط با تأمین مسکن می‌گوید: هزینه مسکن بیشترین سهم را در سبد هزینه‌های کارگران دارد. مطابق آمارهای بانک مرکزی، بیش از یک سوم هزینه‌های یک خانواده شهری در سال ۹۹ به مسکن اختصاص داشته است. این سهم در دهک‌های پایین و در کلان‌شهرها بیشتر است به عنوان نمونه، در شهر تهران سهم هزینه مسکن به صورت متوسط نزدیک ۵۰ درصد است.

مسکن، یکی از اصلی‌ترین نیازهای اساسی خانواده است و تأمین شرایط برای خانواده شدن آحاد مردم، موجب کاهش شکاف طبقاتی، توانمندسازی خانواده و خارج شدن بسیاری از دهک‌ها از فقر اقتصادی خواهد شد. لذا بخش مسکن را باید یک عرصه مهم برای برقراری عدالت در جامعه دانست. مساله مسکن در سطح کلان اقتصاد کشور نیز دارای اهمیت ویژه‌ای است و رونق تولید مسکن از جهت رشد اقتصاد و افزایش اشتغال می‌تواند مورد توجه قرار گیرد. او ادامه می‌دهد: دولت بنا بر اصول ۳۱، ۳۲ و ۴۳ قانون اساسی، موظف است نسبت به تأمین مسکن متناسب با نیاز برای همه مردم با اولویت محرومین اقدام کند و برای نیل به این هدف باید تمام امکانات و ابزار خود را بکار گیرد. پایین بودن قدرت خرید کارگران و اقسشار کم در آمد منجر به عدم توانایی آنها برای تأمین مسکن می‌شود. این گروه‌ها پس انداز اندک و غیر کافی برای خرید مسکن دارند و همین موضوع باعث می‌شود نتوانند در بازار آزاد اقدام به تأمین مسکن خود کنند زیرا نسبت قیمت مسکن به درآمد سالانه گروه‌های کم درآمد متوسط در کشور بسیار زیاد است لذا بخش قابل توجهی از اقشار جامعه از تأمین نیاز مصرفی خود نسبت

توفیقی: هزینه مسکن بیشترین سهم را در سبد هزینه‌های کارگران دارد. مطابق آمارهای بانک مرکزی، بیش از یک سوم هزینه‌های یک خانواده شهری در سال ۹۹ به مسکن اختصاص داشته است

به مسکن باز خواهند ماند. در این بین یک سوال همیشگی وجود دارد که از چه طریق و با اجرای چه سیاست‌هایی می‌توان برای دهک‌های مختلف درآمدی، تأمین مسکن متناسب آنها را انجام داد؟

توفیقی در پاسخ می‌گوید: حذف هزینه اولیه زمین می‌تواند کمک شایانی برای تأمین مالی و ساخت واحدهای مسکونی برای کارگران کند یعنی تولید مسکن با تأمین مالی حداکثر ۵۰ درصدی می‌تواند انجام شود. از طرفی برای مصرف‌کننده نهایی نیز می‌توان متناسب با توان درآمدی مختلف، دو سیاست را در نظر گرفت؛ اولین سیاست که متناسب با متقاضیان با توان مالی پایین تر است، حذف هزینه زمین از هزینه نهایی مسکن است که به صورت واگذاری حق بهره‌برداری با اجاره ۹۹ ساله زمین به مصرف‌کننده نهایی ممکن است.

سیاست دیگری که می‌توان از آن در بحث مدیریت زمین استفاده کرد و متناسب با دهک‌های میان درآمدی و متوسط است، تأخیر در دریافت هزینه زمین و فروش اقساطی آن است. بدین شکل که متقاضیان مصرفی که هزینه ساخت را با پیشرفت پروژه پرداخت کرده‌اند، هزینه زمین را بعد از تحویل واحد مسکونی خود به صورت اقساط بلندمدت پرداخت می‌کنند. در این روش، هم برای متقاضیان مطلوبیت بسیاری وجود دارد و هم برای دولت‌ها زیرا حتی مستأجران نیز می‌توانند با اختصاص اجاره‌بهای خود به عنوان اقساط هزینه زمین، صاحب واحد مسکونی شوند. برای دولت‌ها نیز از این جهت مطلوبیت دارد که در مقایسه با وام خرید مسکن، متقاضیان مصرفی را بدون استفاده از تسهیلات بانکی و نقدینگی مورد نیاز توانمند کرده است. این دو سیاست با توجه به موجودی زمین کشور و بارش‌های مختلفی برای کارگران قابلیت اجرا دارد.

معاون شهرسازی و معماری شهرداری تهران:

۸۰ درصد جمعیت استان تهران امکان خرید مسکن ندارند

آن‌فاد مسکن مناسب هستند. موضوع دیگر اینکه استطاعت مالی و توان خرید مسکن در تهران بسیار کاهش پیدا کرده و باید گفت که استان تهران بدترین استان کشور، از نظر توان خرید مسکن است.



معاون شهرسازی و معماری شهرداری تهران با بیان اینکه تولید مسکن در استان تهران، منطبق بر نیازها و توان مالی متفاوت ساکنین نیست، گفت: کارخانه تولید مسکن تهران برای طیف محدودی از افراد جامعه، مسکن تولید می‌کند و بیش

از ۸۰ درصد جمعیت ساکن در استان تهران امکان خرید مسکن ندارند.

به گزارش ایسنا، عبدالرضا گلپایگانی با بیان اینکه اصل ۳۱ قانون اساسی، داشتن مسکن متناسب را برای هر ایرانی به عنوان یک حق، به رسمیت شناخته، گفت: در تهران برخی از ساختمان‌ها، سازه‌های ناپایدار دارند که یکی از تهدیدهایی است که تاب‌آوری شهر تهران را به صورت جدی زیر سوال برده است، ضمن اینکه در روند گسترش شهر، یک توسعه نامتوازن و توزیع ناهمگن خدمات شهری اتفاق افتاده که منجر به تفاوت ۴۰۰ درصدی در توزیع سرانه‌های خدماتی محلات جنوبی و شمالی شده است.

وی اظهار داشت: بر مبنای آمار اعلام شده در سال ۱۳۹۵، شهر تهران بیش از ۳۰۰ هزار واحد مسکونی خالی دارد در حالی که تعداد قابل توجهی از ساکنین

عضو هیأت مدیره کانون عالی شوراها:

مقایسه مشکلات معیشتی کارگران و مدیران، بی‌انصافی است

دارد. کارگرانی که معمولاً بین ۳ میلیون و ۷۰۰ هزار تا چهار میلیون و ۲۰۰ هزار تومان حقوق می‌گیرند مشکلاتشان نسبت به کارمندانی که ۷-۸ میلیون تومان حقوق می‌گیرند، بیشتر است اما نمی‌توانیم بگوییم کسی که مثلاً ۲۰ تا ۳۰ میلیون تومان حقوق می‌گیرد هم در دوش مثل درد کسی است که حقوقش پایین‌تر از نرخ سبد معیشت است.



عضو هیأت مدیره کانون عالی شوراها اعلام می‌کند که شورای اسلامی کار کشور می‌گوید: کدام فشار؟ در یک واحد تولیدی، ۳۰ درصد هزینه‌ها مربوط به مواد اولیه و ۷۰ درصد دیگر شامل دستمزد انرژی، مالیات و استهلاک است. سوال این است که آیا ما به نیروی کار ایرانی به دلار و ارز حقوق می‌دهیم یا انرژی را به قیمت ارز می‌پردازیم که حالا کالاهای تولیدی را با افزایش نرخ ارز به فروش می‌رسانیم؟ این کار مصداق بی‌انصافی و بی‌قانونی است. ما تنها ۳۰ درصد هزینه‌هایمان متاثر از نرخ ارز است، پس آیا کارفرمایی که کالایش را به نرخ دلار می‌فروشد (مثلاً خودروسازی که قیمت‌هایش چند برابر قیمت واقعی و جهانی خودرو است) تحت فشار است یا کارگری که ربالی حقوق می‌گیرد اما مجبور است دلاری خرج کند؟

اصلاتی گفت: وزیر کار درست می‌گوید کارفرمایان هم مشکل دارند اما مشکل آنها با مشکل کارگران فرق دارد. اگر کارفرمایی سرمایه‌اش قبلاً ۱۰ میلیارد تومان بوده آن سرمایه امروز چند برابر شده است پس ارزش سرمایه کارفرما بالا رفته و بعد کارفرما سود خود را از فروش اجناس خود تأمین می‌کند یعنی اگر مواد اولیه را کارگر می‌خرد در عوض تولیدات خود را هم کارگر می‌فروشد اما آیا کارگری که تمام هستی و جان خود را روی کار گذاشته نیز شرایط مشابهی دارد؟

اصلاتی با ابراز نگرانی از حقوقی که قرار است برای سال ۱۴۰۱ تعیین شود، گفت: اساساً اگر حقوق کارگران درصد قابل قبولی افزایش پیدا نکند مشکل کارگران از آنچه امروز هست نیز بدتر می‌شود، وی در پایان تأکید کرد: مقایسه وضعیت کارگران با وضعیت کارفرمایان و مدیران ارشد و... بی‌انصافی است. کارگران صورت خود را با سیلی سرخ‌نگه می‌دارند و از تأمین نیازهای اساسی خود هم عاجز هستند.

عضو هیأت مدیره کانون عالی شوراها اعلام می‌کند که شورای اسلامی کار کشور می‌گوید: کدام فشار؟ در یک واحد تولیدی، ۳۰ درصد هزینه‌ها مربوط به مواد اولیه و ۷۰ درصد دیگر شامل دستمزد انرژی، مالیات و استهلاک است. سوال این است که آیا ما به نیروی کار ایرانی به دلار و ارز حقوق می‌دهیم یا انرژی را به قیمت ارز می‌پردازیم که حالا کالاهای تولیدی را با افزایش نرخ ارز به فروش می‌رسانیم؟ این کار مصداق بی‌انصافی و بی‌قانونی است. ما تنها ۳۰ درصد هزینه‌هایمان متاثر از نرخ ارز است، پس آیا کارفرمایی که کالایش را به نرخ دلار می‌فروشد (مثلاً خودروسازی که قیمت‌هایش چند برابر قیمت واقعی و جهانی خودرو است) تحت فشار است یا کارگری که ربالی حقوق می‌گیرد اما مجبور است دلاری خرج کند؟

فارغ از این انتقادات، خروجی این جلسه در ارتباط با بهبود معیشت کارگران هم چندان باب میل کارگران نبود و واقعیت این است که بهبود معیشت کارگران و بازنشستگان به خصوص حداقل‌گیران، چندان کار کارشناسانه

نمی‌خواهد چون بند دوم ماده ۴۱ قانون کار کاملاً صراحت دارد و می‌گوید حداقل دستمزد باید به گونه‌ای باشد که هزینه‌های حداقلی زندگی یک خانوار متوسط را تأمین کند یعنی به اندازه سبد معیشت باشد. سبد معیشت هم امروز ۱۱ میلیون و ۵۰۰ هزار تومان است، بنابراین هر دستمزدی کمتر از نرخ سبد معیشت، بی‌توجهی به نص صریح قانون و مصداق روشن قانون‌گریزی است.

توفیقی این راهکارها را در چند دسته کلی خلاصه می‌کند: معافیت مالیاتی کارگران، کاهش تعرفه خدمات درمانی و تأمین مسکن. در مورد اولین راهکار یعنی «معافیت مالیاتی کارگران»، نادر مرادی، فعالان کارگری می‌گوید: بسا اصلی پرداخت مالیات بر عهده کارگران و مزدبگیران است پس حداقل در لایحه بودجه ۱۴۰۱ معافیت مالیاتی کارگران را تا سقف سبد معیشت افزایش دهند، یعنی هر کارگر و مزدبگیری که تا اندازه سبد معیشت دستمزد می‌گیرد، از پرداخت مالیات به دولت معاف باشد. از مالیات بر ارزش افزوده نیز که تقریباً ۱۰ درصد به سبد هزینه‌های کالایی کارگران